استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

ارسالی: فیروزه وفا یکشنبه ۱۷ اگست ۲۰۲۵

به یاد بلبل خوش الحان افغانستان
احمد ظاهر

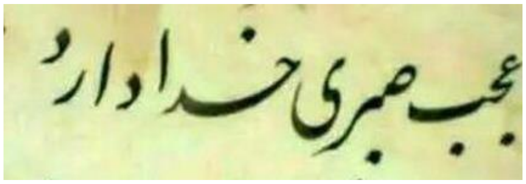

عجب صبری خدا دارد

اگر من جای او بودم

همان یک لحظهٔ اول

که اول ظلم را می دیدم از مخلوق بی وجدان

جهان را با همه زیبایی و زشتی

بر روی یکدگر، ویرانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

که در همسایهٔ صد ها گرسنه، چند بزم گرم عیش و نوش می دیدم

نخستین نعرهٔ مستانه را خاموش آن دم، بر لبِ، پیمانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

که می دیدم یکی عریان و لرزان، دیگری پوشیده از صد جامهٔ رنگین

زمین و آسمان را واژگون، مستانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

salamwatanam@gmail.com

نه طاعت می پذیرفتم

نه گوش از بهر این بیداد گر ها تیز کرده

پاره پاره در کف زاهد نمایان، سبحهٔ صددانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

برای خاطر تنها یکی مجنون صحرا گردِ بی سامان

هزاران لیلی ناز آفرین را کو به کو

آواره و دیوانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

به عرش کبریایی، با همه صبر خدایی

تا که می دیدم عزیز نابجایی، ناز بر یک ناروا کرده خواری می فروشد

گردش این چرخ را وارونه، بی صبرانه می کردم

که می دیدم مشوش عارف و عامی، ز برق فتنهٔ این علمِ عالم سوزِ مردم کُش

به جز اندیشهٔ عشق و وفا، معدوم هر فکری

در این دنیای پر افسانه می کردم

عجب صبری خدا دارد

همین بهتر که او خود جای خود بنشسته و تاب تماشای تمام زشتکاری های این مخلوق را دارد

وگرنه من جای او چو بودم

یک نفس کی عادلانه سازشی

با جاهل و فرزانه می کردم

عجب صبری خدا دارد، عجب صبری خدا دارد

"معینی کرمانشاهی"

salamwatanam@gmail.com